

# پیشنهادی به ناجا درباره کشف حجاب

3 فروردین 1402

یکم؛ درباره **حجاب** ۲ سؤال برای این روزها قابل طرح است؛ سؤال اول این است که چرا کشف حجاب داریم؟ اما سؤال دوم این است که چرا کشف حجاب نداریم؟ توضیح می‌دهم:

تمرکز این متن برخلاف تصور رایج روی کشف حجاب نیست، بلکه روی حفظ حجاب است. سؤال ساده است. این روزها که از عدلیه و نظمی خبری نیست، چرا مردم کشف حجاب نمی‌کنند؟

مطابق نظرسنجی همشهری ۷۹ درصد پاسخ‌دهنده‌ها معتقدند حتی اگر الزام قانونی هم نباشد، باز هم حجاب‌شان را بر نمی‌دارند. ۷ درصد هم پاسخ ندادند و اظهار تردید کردند.

دوم؛ مردم ما متدین هستند. جامعه ما ایمانی است. بانوان ما در هر سطحی از حجاب آن را حجاب می‌دانند؛ ولو در مصداق اشتباه کنند. به سخن ساده‌تر فردی با حجاب عرفی هم خود را با حجاب می‌داند و حاضر نیست مقابل خدا و دین او، صف بکشد.

ضدانقلاب جاهل تصور می‌کرد شل‌حجایی در ایران یعنی تقابل با نظام؛ تقابل با دین. از این جهت تصور کردند اگر الزام حجاب برداشته شود، مردم یکباره کشف حجاب می‌کنند؛ حال آنکه حجاب در ایران امری فطری و از سر حیا و عفاف است. بدحجایی به معنای متعارف نیز از سر سبک زندگی غربی است؛ نه خدای ناکرده فرهنگ بی‌حیایی و بی‌عفتی.

از همین رو پروژه ضدانقلاب شکست خورد، تا آنجا که یک روز به خود آمدند و متوجه شدند که همین بدحجاب‌ها مقابل آنها ایستاده‌اند.

امروز هم برخلاف تصورشان می‌بینند که مردم حجاب‌شان را حفظ کرده‌اند و محلی به اینها نمی‌دهند. تا حالا می‌گفتند مردم حجاب نمی‌خواهند و مدعی رفراندوم بودند و الان متوجه شده‌اند اکثریت مردم خواهان حجاب هستند.

با این توضیح، برهنگی و کشف حجاب تعرض به حقوق اکثریت است؛ روشن است.

سوم؛ تا اینجا مشخص شد جامعه ما عقیف و باحیاست. حالا یک سؤال مطرح است. اگر برداشتن الزام حجاب سهمی در بی‌حجایی ندارد، چرا اصرار داریم قانون حجاب اعمال شود؟

پاسخ ساده است. علت این است که ماجرا به اینجا ختم نمی‌شود. فرهنگ به مرور زمان تغییر می‌کند. اگر از آن صیانت نشود هیچ دلیلی ندارد فردا بهتر از امروز باشد. بنابراین نه اینجا و بلکه هر جای عالم برویم بالاخره یک مرزی برای حجاب قرارداد می‌شود و قانون از آن صیانت می‌کند.

اساسا هیچ آدم عاقلی، تأکید می‌شود، هیچ عاقلی اعمال قانون در مسئله حجاب را مطلقاً نفی نمی‌کند؛ مگر جریان هوسران و هرزه‌ای که همین‌ها نیز اگر پایش برسد، برای خود و خانواده‌شان نسخه دیگری دارند.

اما سؤال اینجاست که حد و مرز الزام قانون کجاست؟ اینجاست که قانون، شرع و عرف را توامان

می‌بیند.

## چهارم و یک پیشنهاد:

نظمیه و عدلیه از انفعال خارج شوند. مسئله حجاب مسئله اول ما نیست، اما قرار هم نیست اگر مسئله‌ای اولویت نداشت، مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد. حجاب جزئی از دین است. حکم ضروری حق است. منطقی لازم است در کنار اقدامات فرهنگی و آموزشی، سازوکار تذکر و نهی از منکر قانونی نیز طراحی شود.

یک راه پیشنهادی این است که ناجا خانم‌های معتقد، با انگیزه و با سعه‌صدر را در شهر مأمور کند تا تذکر دهند. به هیچ‌ون یا هیچ‌برخورد فیزیکی نیز نیاز نیست.

کافی است بانوان پلیس مجهز به دوربین باشند. هر جا برهنگی، هرزگی و کشف حجاب دیدند کافی است تذکر لسانی دهند. اگر اصلاح شد که اغلب می‌شود، هیچ و اگر اصلاح نشد، بعدا متخلف به دستگاه قضایی فراخوانده شود و بدوا تعهد شفاهی داده شده و در مرحله بعد کتبی و در نهایت جریمه شود.

حد و مرز تذکر را هم [شورای عالی انقلاب فرهنگی](#) تعیین کند که ناجا از برخوردهای سلیقه‌ای برحذر شود. خلاصه اکثریت مردم ما ایمانی‌اند و اهل دین، معنویت و اخلاق. هیچ‌جای دنیا آزادی عده‌ای حق تعرض به حقوق اکثریت ندارد؛ این هم استدلال حقوق بشری. استدلال دینی و قانونی‌اش بماند. لطفا آقایان مسئول به حکم مردم‌سالاری یا دمکراسی یا هرچه اسمش را می‌گذارند، قانون را اجرا و از خواست اکثریت صیانت کنند.

**محسن مهدیان؛ مدیرعامل موسسه همشهری**